

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۳/۱۴

تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۵/۲۶

(صفحه ۲۱۳-۲۳۴)

# نقش مورخان در رواج آموزه‌های حکومت‌داری در دوره سلاطین دهلی

دکتر خدیجه عالمی\* - مظهر ادوای\*\* - حسین نظری\*\*\*

## چکیده

مورخان به‌عنوان بخشی از نخبگان شبه‌قاره هند در دوره سلاطین دهلی در قرون ۷-۱۰ ق، از طریق آثار تاریخی خود و ارتباط با دربار و کارگزاران، توانستند آموزه‌های حکومتی را در میان آنان رواج دهند. در این پژوهش، سؤال اصلی این است که نقش مورخان ایرانی در تکوین رویکردهای سلاطین دهلی نسبت به حکومت‌داری چگونه بود؟ در پاسخ، به این فرضیه پرداخته شده است: مورخان ایرانی با ترویج تعالیم اخلاقی و اعتقادی، سیاسی و اجتماعی، نقش چشمگیری در تکوین مؤلفه‌های حکومت‌داری در این دوره داشته‌اند. برای پاسخ به مسئله اصلی پژوهش، مهم‌ترین آثار تاریخی مورخان این دوره با تکیه بر روش توصیفی - تحلیلی بررسی شده است.

**کلیدواژه‌ها:** شبه‌قاره هند، سلاطین دهلی، حکومت‌داری اسلامی، مورخان.

alemi1900@ut.ac.ir

m-advay@yahoo.com

\* استادیار گروه تاریخ دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)

\*\* دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام

\*\*\* دانش‌آموخته کارشناسی ارشد تاریخ اسلام، دانشگاه تهران

## ۱. مقدمه

در پی سقوط حکومت غزنویان هند به دست سلاطین غوری، غلامان ترک در سال ۶۰۲ق توانستند به رهبری قطب‌الدین آییک، یکی از فرماندهان غوری و تأیید سلطان غیاث‌الدین غوری در شمال غرب شبه‌قاره هند با مرکزیت دهلی، سلطنت غلامان را تأسیس کنند. سلسله غلامان از سال ۶۰۲ق، همراه پنج سلسله دیگر خلجی، تغلقی، سادات، لودی و سوری تحت عنوان «سلاطین دهلی»، بیش از سه قرن و نیم، یعنی تا سال ۹۶۲ق استمرار یافت. همزمان با تشکیل نخستین حاکمیت مستقل مسلمان در دهلی، مردم ایران‌زمین با واقعه حمله مغول روبه‌رو شدند و بسیاری، از جمله عالمان و دیوانسالاران، در پی امنیت و وضع اقتصادی و اجتماعی بهتر، رو به سوی هند نهادند. از سوی دیگر، سلاطین دهلی، که در فضای فرهنگ ایرانی-اسلامی حکومت سلاطین غوری رشد یافته و در سرزمینی غیراسلامی حکومتی برپا کرده بودند، از ایرانی‌تباران اصیل در حکومت خود استقبال کردند.

در دوره حکومت سلاطین دهلی، نخبگان ایرانی به‌عنوان بخشی از جامعه اسلامی که در کشورداری سابقه‌دیرین داشتند، به اداره امور کشور پرداختند. ایرانیان علاوه بر امور اجرایی، توانستند در زمینه‌های گوناگون علمی نیز فعالیت کنند. بدین ترتیب و با کوشش این طبقه، در رویکردهای حاکمان دهلی تغییراتی رخ داد؛ از جمله ایرانیان مهاجر و ایرانی‌تبارانی که در دوره حکومت سلاطین دهلی نقش داشته و در آثار خود به اصول حکومت‌داری پرداخته‌اند، می‌توان به این چهار شخصیت برجسته اشاره کرد: منہاج‌الدین عثمان جوزجانی مؤلف طبقات ناصری، شمس سراج عقیف مؤلف تاریخ فیروزشاهی، ضیاء‌الدین برنی مؤلف تاریخ فیروزشاهی و یحیی بن احمد سیهرندی مؤلف تاریخ مبارک‌شاهی.

در این پژوهش، به تبیین مؤلفه‌های حکومت‌داری از دیدگاه مورخان ایرانی شبه‌قاره هند و راهبری سلاطین دهلی در مسیر دین اسلام پرداخته شده است. جایگاه مورخان ایرانی در این عرصه از آن نظر اهمیت دارد که از یک‌سو، حکومت سلطنت دهلی اولین حاکمیت مستقل مسلمان در شبه‌قاره هند بود و از سوی دیگر، ایرانیان بخش مهمی از جامعه نخبه‌تأثیرگذار در دربار سلطنت دهلی محسوب می‌شدند.

از جمله آثاری که به‌عنوان پیشینه پژوهش می‌توان به آنها اشاره کرد، پایان‌نامه‌ای است با

عنوان تأثیر ایرانیان مهاجر در تکوین رویکردهای سلاطین دهلی به فرهنگ اسلامی تألیف حسین نظری، که با راهنمایی خدیجه عالمی انجام یافته و در آن، تأثیر نخبگان ایرانی از جمله صوفیان، شاعران و مورخان بر سلاطین دهلی بررسی شده است. همچنین، در مقاله «اساسی‌ترین مؤلفه‌های اندیشه سیاسی ضیاءالدین برنی»، نویسنده مؤلفه‌های سیاسی از نظر ضیاءالدین برنی را بررسی کرده و به دیگر نخبگان علمی سلطنت دهلی و اندیشه‌های ایشان در این زمینه پرداخته است. در مقاله «تداوم و نوآوری در اندیشه سیاسی ضیاءالدین برنی و کتاب فتاوی جهان‌داری»، نوشته سید حسین زرهانی، نویسنده به خطوط کلی اندیشه سیاسی برنی، ذیل چنین موضوعاتی پرداخته است: پادشاهی به‌عنوان روش امکان‌پذیر حکومت، گذار از خلافت، تفکیک و تضاد دین‌داری و جهان‌داری، حکومت شر لازم برای نگهداشت دین، شریعت، سیاست ملکی و ضوابط. از دیگر آثار مربوط به پیشینه این پژوهش مقاله‌ای است با عنوان «نقش تصوف در ترویج رویکردهای سلاطین دهلی به فرهنگ اسلامی» در مقاله مذکور، به‌طور مشخص، تأثیر صوفیان در ترویج اخلاق و عرفان، میان عموم مردم بررسی شده است. در مقاله حاضر، به‌طور مشخص به طبقه خاص یعنی سلاطین دهلی پرداخته شده و محور اصلی مقاله نیز مؤلفه‌های حکومت‌داری اسلامی است. از این‌رو، بحث در باب فعالیت‌های علمی مورخان و ترویج مؤلفه‌های حکومت‌داری در دربار سلاطین دهلی، از جمله دستاوردهای این پژوهش است.

## ۲. مورخان ایرانی در دربار سلاطین دهلی

### ۲-۱. منہاج سراج

منہاج‌الدین بن سراج‌الدین جوزجانی (قرن ۷ق) در حدود سال ۵۸۹ق در شهر فیروزکوه، مقر حکومت دودمان غوری به دنیا آمد. جد وی، امام عبدالخالق جوزجانی، اهل جوزجان، منطقه‌ای بین هریرود علیا و بلخ بود و بدین سبب او را جوزجانی خوانده‌اند. پدر وی از کارگزاران دربار غوریان بود. منہاج سراج‌الدین در حمله مغولان به فیروزکوه، که به ویرانی شهر منجر شد، به هند گریخت و در آنجا به خدمت ناصرالدین قباچه، حاکم سند و مولتان درآمد. با تسلط شمس‌الدین التتمش بر مولتان و پایان گرفتن کار قباچه، منہاج سراج به سلطان پیروز پیوست و با وی، رهسپار دهلی شد.

کتاب منہاج سراج، طبقات ناصری، از مهم‌ترین تواریخ عمومی اسلام و تاریخ اختصاصی هند اسلامی، از زمان حملات غزنویان تا سلطنت ناصرالدین محمود است. او در دربار مشاغل مهمی بر عهده داشت و عمر را با حرمت در مقام قاضی القضاة به‌سر آورد (منہاج سراج، ج ۱، ص ۲۵۲، ۴۹۷). هنگامی که در دیوان مظالم دهلی به حل و فصل امور می‌پرداخت، کتابی با عنوان تاریخ مجدول دید و چون پس از مطالعه متوجه برخی کاستی‌های آن شد، تصمیم گرفت کتابی تألیف کند شامل تاریخ تمامی ملوک و سلاطین اسلام، از ابتدا تا زمان مؤلف. او تألیف این اثر را در ۶۵۵ق آغاز کرد و در ۶۵۸ق به پایان رساند و به نام ناصرالدین محمودشاه بن ایلتمش (۶۴۴-۶۶۴ق)، آن را طبقات ناصری نامید (همو، ج ۱، ص ۸). این کتاب، یکی از منابع اصلی تاریخ اوایل سلطنت دهلی و اوایل حمله مغول به ایران است و به لحاظ تاریخ تشکیلات و استفاده مؤلف از منابعی که اکنون موجود نیست، ارزش خاصی دارد. با وجود همه این مزایا، کاستی‌های آن را هم باید در نظر گرفت (Bazmee Ansari, Vol. 2, p. 609).

## ۲-۲. ضیاءالدین برنی

ضیاءالدین برنی (قرن ۷ق)، در خاندانی حکومتی پرورش یافت و پدرش نایب و خواجه برن بود. ضیاءالدین برنی در زمان نظام‌الدین اولیاء از مریدان وی محسوب می‌شد (محدث دهلوی، ص ۲۰۱) و در دوره حکومت سلطان محمد تغلق توانست به دربار دهلی راه یابد. او با اشراف و اعیان دهلی مناسبات خوبی داشت و در سنین کمال، به دربار سلطان محمد تغلق (حکومت: ۷۲۵-۷۵۲ق) راه یافت و به سبب وسعت معلومات و قوت حافظه، ۱۷ سال و اندی از ملازمان و ندیمان دستگاه وی بود. پس از مرگ محمد بن تغلق، احتمالاً احمد ایاز، نایب او در دهلی، که نمی‌دانست لشکریان محمد تغلق، فیروز تغلق را به سلطنت رسانده‌اند، با حمایت بعضی از سرداران و بزرگان دهلی، پسر نابالغ محمد تغلق را بر تخت سلطنت نشاند؛ اما سرانجام فیروز به سلطنت رسید (۷۵۲-۷۹۰ق) و برنی، گویا به اتهام همکاری با احمد ایاز، از دربار طرد شد و مدتی در قلعه پَهِتیز در ناحیه پنجاب به حبس افتاد (منزوی، ج ۱، ص ۱۵۵، ۳۸۹)؛ اما بعدها به خدمت فیروزشاه درآمد و به سبب عنایات او به مال و مکنت بسیار رسید و سرانجام در دهه هفتم زندگی با دریافت مستمری،

از دربار کناره گرفت. وی پس از ۷۵۸ ق درگذشت و در غیاث‌پور، پایین آرامگاه پدرش کنار مزار نظام‌الدین، به خاک سپرده شد، هرچند که در بَرَن (معروف به بولندشهر) نیز، قبری به او نسبت داده‌اند (میرخورد، ص ۳۲۲-۳۲۳). مهم‌ترین اثر ضیاء‌الدین برنی، تاریخ فیروزشاهی، به زبان فارسی، شامل بخشی از تاریخ دورهٔ سلاطین دهلی است.

### ۲-۳. شمس سراج عفیف

از مورخان قرن هشتم ق در دربار سلاطین دهلی و مؤلف تاریخ فیروزشاهی، در تاریخ دورهٔ فیروزشاه، کتاب را ادامهٔ اثر ضیاء‌الدین برنی دانسته است (شمس سراج عفیف، ص ۶). او در تاریخ فیروزشاهی، به تاریخ سلاطین دهلی از آغاز حکومت سلطان غیاث‌الدین بلبن تا پایان سال ششم حکومت فیروزشاه پرداخته است.

محور کتاب شمس سراج عفیف، «سلطان» است و این موضوع، در تمامی قسمت‌های کتاب دیده می‌شود. او از شغل درباری گریزان بود؛ ولی در میهمانی‌های درباری شرکت می‌جست و در شکارگاه‌ها سلطان را همراهی می‌کرد (همان‌جا). به همین سبب، بیشتر اطلاعات تاریخی او، از درباریان و افراد پرنفوذ اخذ شده است (همو، ص ۱۵).

### ۲-۴. یحیی بن احمد سیهرندی

کتاب سیهرندی، یکی از مورخان برجستهٔ دربار سلاطین دهلی، تاریخ مبارکشاهی است. در این اثر تاریخ پادشاهان دهلی از ابتدای قرن هفتم تا نیمهٔ قرن نهم، به زبان فارسی به رشتهٔ تحریر درآمده است. این کتاب، در واقع تاریخ محلی است و مؤلف، آن را به معزالدین مبارکشاه (حکومت: ۸۲۴-۸۳۷ ق)، دومین پادشاه از خاندان سیدها (یا بنی خضر)، تقدیم کرده و نام تاریخ مبارکشاهی بدین سبب است.

### ۳. نظریه‌های سیاسی مورخان ایرانی دهلی

آشنایی سلاطین دهلی با سنت‌ها و فرهنگ ایرانی از طریق اندرزنامه‌های مربوط به دوران باستان، که در دورهٔ اسلامی نیز ادامه یافت، حاصل شد. سلاطین دهلی، سیاست‌ورزی و ملک‌داری ایرانی - اسلامی را به‌عنوان الگوی حکومتی خویش برگزیده بودند و آثار

اندرزنامه‌های ایرانی را می‌توان در نوشته‌های سیاسی و اداری برخی نویسندگان دوره سلاطین دهلی به‌وضوح ملاحظه کرد.

پس از شکل‌گیری حاکمیت‌های مسلمان در شبه‌قاره هند، مورخان با تکیه بر سنت تاریخ‌نگاری ایرانی - اسلامی و با استفاده از زبان فارسی در تداوم تاریخ‌نگاری در شبه‌قاره هند نیز همت گماشتند و به همین سبب، آثار آنان به همان سبک و سیاق تواریخی است که در قرون پیشین نگاشته می‌شد؛ در واقع، تاریخ‌نویسی دوره اسلامی، در شبه‌قاره هند نیز ادامه یافت. سالشماری‌ها، ملفوظات، مکتوبات، زندگینامه‌ها و تذکره‌ها، نمونه‌هایی از تاریخ‌نویسی در شبه‌قاره هند است که به زبان فارسی به رشته تحریر درآمده است. تاریخ نه‌فقط به زبان فارسی نوشته می‌شد، بلکه مبتنی بر اندیشه‌ها و نگرش‌های ایرانی بود. بیشتر مورخان این‌گونه آثار تاریخی، به‌دربار واپسته بودند و مانند منہاج سراج و ضیاءالدین برنی به خانواده‌های اشرافی تعلق داشتند؛ به‌عنوان نمونه، کتاب فتاوی جهان‌داری، نوشته ضیاءالدین برنی، که در دوره سلاطین دهلی نوشته شد، سخت تحت تأثیر شیوه کشورداری ایرانیان و پندنامه‌ها و اندرزنامه‌های ایرانی است (محرابی و معصومی، ص ۸۲-۸۳). برنی به‌سبب آشنایی با علوم اسلامی و رموز حکمرانی، به‌عنوان مشاور محمد تغلق‌شاه، کوشید با توجه به نظریه‌های سیاسی برآمده از اندرزنامه‌های ایرانی، آن‌گونه دانش سیاسی را به هند نیز انتقال دهد.

برنی بر این نظر بود که برای «اعتلای دین محمدی» و غلبه بر دشمنان و «نفاذ»، پادشاهان می‌باید رسم خسروی زنند (برنی ۱، ص ۱۴۱) و اینکه بر پادشاه دین‌دار واجب است از ارتکاب محظورات دین متأسف و متندم باشد و شب‌ها پیش خدای عزوجل گریه و زاری کند و جمله رسوم سلطنت را به‌یقین مخالف نبوت بداند (همان، ص ۱۴۱-۱۴۲).

وی صفات متعالی پادشاهان را برشمرد و بر این اساس، الگویی برای پادشاهان اسلام به دست داده است (همان، ص ۲۹۰-۳۰۰). وی با آنکه ملک‌داری و حکومت‌داری اسلامی را توصیه می‌کند و پادشاه دین‌دار را قطب عالم می‌داند، در عین حال، عمل به سیره پیامبر<sup>(ص)</sup> را برای پادشاهان بسیار دور از دسترس دانسته است (همان، ص ۱۲۷).

سلاطین دهلی به تقلید از فرمانروایان دوره اسلامی (همانند غزنویان، سلجوقیان، خوارزمشاهیان و غوریان) لقب سلطان را برای خویش برگزیدند و سلطان، بالاترین مقام

سیاسی، اداری، نظامی، قضایی و مذهبی در دوره سلاطین دهلی بود (بیهقی، ج ۱، ص ۳؛ جوزجانی، ج ۱، ص ۲۲۵، ۳۱۸، ۴۱۵؛ برنی ۲، ص ۲۴).

طرح اندیشه منشأ الهی قدرت، متأثر از اندیشه سیاسی ایرانی، اصلی‌ترین عامل مشروعیت بود و برنی، یکی از مهم‌ترین نظریه‌پردازان اندیشه سیاسی در دوره سلاطین دهلی، عقیده داشت که جهان‌داری در اصل، خلافت خدایی است و مرتباً «اولوالامر» نیز در ردیف امر خدا و رسول خداست و بعد از نبوت، امری بزرگ‌تر و نفیس‌تر از پادشاهی نیست (خسرویگی، ص ۷۰). پیداست که اطاعت از فرمان چنین سلطانی واجب بود. همچون دوره ساسانی و اسلامی، در دوره سلاطین دهلی هند این نظر رواج داشت که سلطان در کنار ویژگی‌های روحی و معنوی، باید دارای سلامت جسمانی نیز باشد. از این‌رو گاه در رقابت‌های سیاسی، مدعیان سلطنت را به عارضه‌ای جسمانی مبتلا می‌کردند تا صلاحیت سلطنت از آنان سلب شود؛ چنان‌که بر چشمان رکن‌الدین پسر التتمش و نیز پسران جلال‌الدین خلجی و فرزندان علاء‌الدین خلجی میل کشیدند (منهاج سراج، ج ۱، ص ۴۵۵؛ برنی ۲، ص ۲۳۴، ۲۴۵، ۲۴۹، ۳۶۷-۳۶۸). سلاطین دهلی حتی در نامگذاری فرزندان نیز به پادشاهان ایران باستان توجه داشتند، از این‌رو نام‌هایی مانند جمشید، کیخسرو، کیقباد، بهرام، افراسیاب و انوشیروان در میان آنها رایج بود (همان، ص ۲۷، ۱۲۴، ۱۳۷، ۵۱۰-۵۱۱).

شمس سراج عقیف ابتدای کتاب تاریخ فیروزشاهی را به نعت پیامبر اکرم (ص) آراسته و پس از آن، با توجه به آیات قرآنی و روایات نبوی، به بیان ۱۰ صفت از صفات اهل سلوک برای سیر الی‌الله پرداخته است. سلاطین و حاکمان اسلامی که خواهان دین هستند، می‌توانند با توجه به مقام و جایگاه خود و با عمل به مراتب چندگانه، مسیر قرب الهی را بپیمایند. وی براساس دو حدیث نبوی «الشیخ فی قومه کالنبی فی امته» و «لولا السلطان لأکَل النَّاسُ بَعْضُهُمْ بَعْضاً»، علما و سلاطین را در دوام و قوام جامعه اسلامی شبیه می‌داند. بنابر سخن شمس سراج، سلاطین طالب دین همچون علما و اهل سلوک، مسیر سلوک را طی می‌کنند (شمس سراج عقیف، ص ۲). سیه‌رندی، از دیگر مورخان این دوره نیز، در اثر خود تاریخ مبارک‌شاهی، اخلاق‌گراست و به سبک و روش صوفیانه خود در بخش‌هایی از کتاب، رویکردی ضد دنیوی دارد.

شمس سراج عقیف یکی از دو صفت لازم برای سیر و سلوک سلاطین را جهاد و مقاتله

دانسته و جهاد سلاطین و اهل حکومت، گشودن شهرهای کفار و مشرکان و تسخیر قلمرو آنها و الحاق آن سرزمین‌ها به قلمرو اسلامی را مصداق فتح و گشایش برای سلاطین مسلمان ذکر کرده است (شمس سراج عقیف، ص ۱۳؛ نظری، ص ۶۳). نخبگان تاریخ‌نگار در حکومت سلاطین دهلی، از سویی می‌کوشیدند توجه اهل حکومت را به تاریخ پیامبران و حکومت‌های اسلامی به‌عنوان الگوهای حکومتی جلب کنند.

#### ۴. شاخص‌های دستیابی به حکومت‌داری اسلامی از دیدگاه مورخان ایرانی

##### ۴-۱. شاخص‌های اعتقادی و اخلاقی

##### ۴-۱-۱. عبرت‌آموزی

تمایل مورخان در دوره سلاطین دهلی، به اخلاق و آموزه‌های دینی و فعالیت‌های بزرگان دینی در گسترش و ترویج دیدگاه مذهبی و دینی (ali khan, p. 141) موجب شد تا آثار به‌جای‌مانده از ایشان، آکنده از توصیه‌ها و مبانی اخلاقی و دینی باشد. عبرت‌آموزی یکی از ویژگی‌هایی است که نخبگان تاریخ‌نگار، در تاریخ‌نگاری آن را در نظر داشته‌اند. شمس سراج در ابتدای بحث عبرت، آن را از آثار خوف الهی دانسته و عبرت را عاملی برای سعادت دنیوی و اخروی ذکر کرده است (شمس سراج عقیف، ص ۱۵-۱۶). به‌نظر مؤلف، عبرت‌آموزی، عامل آخرت‌گرایی و سعادت است و در موارد متعددی با ذکر حوادث، بر عبرت گرفتن از تاریخ سعی برای آباد کردن آخرت تشویق می‌کند؛ از آن جمله در اشاره به حادثه خودکشی خواجه جهان (سپهرندی، ص ۳۳؛ شمس سراج عقیف، ص ۷۷، ۴۲۵)، که چون سلطنت فیروزشاه را نپذیرفت خود را بدنام یافت (باسورث، ص ۵۷۱)، نوشته است: «سبحان الله این همه عبرت است که الله تعالی به قدرت اعلیٰ مر بندگان خود را می‌نماید، زمره مؤمنان و فرقه دوستان را واجب است که از این عبرت‌ها عبرت گیرند و در طلب آخرت کوشش نمایند» (شمس سراج عقیف، ص ۷۸). او هنگام ذکر شکار سلطان دهلی و اطعام مردم، عمل سلطان را در بخشش و اطعام مردم موجب عبرت آیندگان دانسته است (همو، ص ۴۲۹). عقیف، چون به بیان خدمات حکومت فیروزشاهی از جمله سلطان و امرا می‌پردازد، بر این نکته تأکید می‌کند که آنچه از حکومت فیروزشاهی برجا مانده، نام آنهاست و عمل ایشان برای عبرت خردمندان؛ مثلاً چون به ذکر مرگ سلطان دهلی در سال ۷۹۰ق می‌پردازد، دنیا را عرصه عبرت می‌بیند که هیچ‌کس در آن جاودانه نیست و همگان، از فقر و



غنی، سرانجام واحدی خواهند داشت (همو، ص ۴۸۹).

یحیی بن احمد سیهرندی، مؤلف تاریخ مبارک‌شاهی نیز، هدف از نگارش تاریخ را برای نصیحت اصحاب دولت و ابواب مکنات «دانسته» تا به شنیدن این قضیه اعتبار گیرند و متنیه شوند؛ «فاعتبروا یا اولی الابصار» (سیهرندی، ص ۱۱۷). او در جایی دیگر در ماجرای قتل سلطان ملک‌شاه (وفات: ۸۳۷ق) نوشته است: «همه را به علم یقین معلوم، بلکه به عین یقین معاینه است که سپهر بی‌مهر از عقد مصادقت می‌گردد و روزگار ناسازوار از عهد موافقت می‌گذرد. اول چون مستان بی‌استحقاق و آنکه بی‌موجب باشد می‌بخشد، آخر چون طفلان بی‌رنجش و بی‌آنکه شرمی حایل گردد، بازمی‌ستانند. هر سری را که از سروری و عزت سرآمده بیند، خواهد که در پای گرد مذلت اندازد و هر سروری را که از سری و حرمت برآمده یابد، چون خاک ناپاک محنت یکی سازد» (همو، ص ۲۳۵). یا: «غرض از تقریر این عبارت و تحریر این استعارت آن است که اصحاب دولت و ارباب حشمت بر مکر ولایت دنیای لا اعتبار مغرور نگردند و به همه وجوه اعتبار گیرند. قوله تعالی: فاعتبروا یا اولی الابصار» (همو، ص ۲۳۵).

او در حوادث و وقایع گوناگون با ذکر اشعاری، خواننده را به عبرت‌آموزی فرامی‌خواند، به‌ویژه در باب پادشاهان، که نماد قدرت و ثروت هستند؛ از جمله در واقعه قتل قطب‌الدین آیبک در شهر لاهور، نظر خواننده را به این نکته جلب می‌کند که انسان هر چند از جاه و قدرت بسیار برخوردار باشد، باز هم در چنگال مرگ است، پس شایسته است که به دنیا اعتماد نکند. وی پس از ذکر مرگ شمس‌الدین ایلتمش شاه مملوکی، بار دیگر اذهان را به عبرت‌آموزی فرامی‌خواند و اینکه عزت و احترام دنیوی دوامی ندارد، یا در جریان عزل و قتل معزالدین بهرامشاه، بی‌وفایی دنیا را به سلطان متذکر شده است. او بعد از تشریح واقعه فوت سلطان ناصرالدین مملوکی (انوشیروان ثانی) خواننده را به تفکر در عواقب امر آدمی می‌خواند. چنان‌که در نقل هلاکت تغلق‌شاه (از سلاطین تغلقی دهلی) در واقعه ریزش کاخ توجه خوانندگان را بار دیگر به مرگ جلب می‌کند و اینکه قدرت و ثروت مانع مرگ و نیستی نیست (همو، ص ۱۶، ۲۰، ۲۳، ۲۷، ۳۲، ۳۹).

#### ۲-۱-۴. اخلاق‌گرایی و دین‌مداری

اخلاق‌گرایی و دین‌مداری از جمله اصول حکومت‌داری از دیدگاه مورخان بوده است. شمس سراج عقیف، که ابتدای کتاب تاریخ فیروزشاهی را به نعت پیامبر اکرم (ص) آراسته،

با ذکر آیات و احادیث، ۱۰ صفت از صفات اهل سلوک را، که برای سیر الی‌الله یاری‌رسان آنان است، برشمرده است. به نوشته او، سلاطین و حاکمان اسلامی که خواهان دین هستند، می‌توانند با توجه به مقام و جایگاه خود و با عمل به این مراتب چندگانه، مسیر قرب الهی را ببینند. وی براساس دو حدیث نبوی «الشیخ فی قومه کالنبی فی امته» و «لولا السلطان لأکل الناس بعضهم بعضاً»، علما و سلاطین را در دوام و قوام جامعه اسلامی مشابه دانسته است. بنابر نظر عقیف، سلاطین طالب دین همچون علما و اهل سلوک، مسیر سلوک را طی می‌کنند (شمس سراج عقیف، ص ۲). او کوشیده است از میان اوصاف گوناگون در اخلاق اسلامی، ویژگی‌هایی را برگزیند که بتواند آنها را برای دو گروه علما و اهل سیاست تعمیم دهد و مثال‌هایی برای هر یک ذکر کند. وی هر صفت و ویژگی را در یک مقام بیان داشته و در ابتدا جایگاه آن ویژگی را براساس آیات و روایات به صورت بسیار مختصر بررسی کرده و پس از آن رفتار اهل سلوک و سلاطین طالب دین را در باب آن صفت و ویژگی شرح داده و کوشیده است دستورالعملی برای سیر عرفانی اهل سیاست براساس شغل و منصب‌داری به دست دهد. وی به ۱۰ صفتی که از اخلاق انسانی و اسلامی ناشی شده و طالبان مسیر سیر و سلوک را برای رسیدن به قرب الهی یاری می‌کند، اشاره کرده است: مقام اول: شفقت، مقام دوم: عفو، مقام سوم: عدل، مقام چهارم: مقاتله و جهاد، مقام پنجم: ایثار، مقام ششم: رعب و خوف الهی، مقام هفتم: هوشیاری و فریب نخوردن، مقام هشتم: عبرت گرفتن، مقام نهم: فتح و گشایش، مقام دهم: کیاست و زیرکی.

نویسنده گاه در تعریف مفاهیم برای دو گروه سالک تفاوت قائل شده است، از جمله در مقام چهارم، جهاد نفسانی را برای علما، جهاد با دشمنان دین را برای پادشاهان دانسته است (همو، ص ۳، ۹-۱۰). هوشیاری در نظر وی، نشانه عقل و درک انسان است، چه عارف و چه سلطان، و برای صوفیان و اهل دین، فریفته نشدن به دنیا و حضور پیوسته در پیشگاه خدا و برای سلاطین، که دربار آنها شامل دوست و دشمن است، زیرکی و سیاست در عرصه مملکت‌داری است، تا در امور مالی به گمراهی نیفتند؛ زیرا که خطا در کار مال و اموال، سلاطین را از سیر و سلوک باز می‌دارد (همو، ص ۱۳-۱۹). وی در تبیین مقام نهم، جهاد را دارای دو وجه درونی و بیرونی دانسته است: فتح و پیروزی علما، در فتح و

گشایشِ قلوبِ مردم و بندگان خداست و جذب ایشان به راه دین، که امری قلبی و درونی است؛ حال آنکه فتح سلاطین، گشودن شهرهای کفار و مشرکان و تسخیر قلمرو آنها و الحاق آن سرزمین‌ها به قلمرو اسلامی است. دستیابی پادشاهان اسلامی به غنایم نیز وسیله‌ای برای جلب هر چه بیشتر قلوب نیروهای حکومت به اسلام است (همو، ص ۱۶-۱۸). می‌توان گفت در نظر شمس سراج عقیف، در برخی وجوه، به‌طور مثال در جهاد و فتح، که به آنها دو جنبهٔ درونی و بیرونی داده است، سلاطین و علما برای یکدیگر نقش تکمیلی دارند و پیشبرد اهداف اسلام به فعالیت هر دو گروه متکی است.

شمس سراج عقیف به سبک و سیاق صوفیانهٔ خود در بخش‌هایی از کتاب، رویکردی ضد دنیوی دارد. به‌طور مثال، در توصیف منطقهٔ جاجنغر آورده است: «ساکنان آن ولایت را خانه‌های وسیع و آستان‌های رفیع از جهت وسعت است، چنان‌که درون خانه‌های ایشان باغ به انواع میوه کشت و زراعت است». سپس چون ارزانی مواد غذایی مانند گوشت را شرح می‌دهد، به این سخن رسول الله<sup>(ص)</sup> اشاره می‌کند که: «الدنیا سجن المؤمن و جنة الکافر» و سختی‌هایی را که بر مسلمانان می‌رود، خواست خدا می‌داند که به مصلحت ایشان است (همو، ص ۹۹-۱۰۰).

از دیگر ویژگی‌های اخلاقی در تاریخ‌نگاری عقیف، تأکید بر بدعهدی روزگار و بی‌اعتمادی به آن است. عقیف کوشیده است در تاریخ‌نگاری خود، بر بُعد اخلاقی تاریخ بسیار تأکید کند؛ از جمله در ذکر وقایع و حوادث و از دست رفتن فرصت‌ها و خیانت امرا و سرانجام تلخ خیانت‌ها تذکر می‌دهد دنیا بی‌وفاست و اعتماد بر آن نشاید. عقیف برای تأثیر بیشتر، از اشعار فارسی بهره برده است، تا شاید این تذکرات در ذهن خواننده دوام بیشتری داشته باشد. چنان‌که وقتی از اقدامات عمرانی سلطنت فیروزشاه تغلقی سخن به میان می‌آورد و عظمت آن را یادآوری می‌کند، در پایان، بر بی‌بنیادی دنیا با شعری از سعدی تأکید کرده است (همو، ص ۳۳۱)، یا هنگام سخن دربارهٔ ملک نایب باربک و تعهد وی نسبت به سلطان تغلقی و رفتار همراه با انصاف و دور از خشونت وی با زبردستان، بار دیگر بی‌ارزشی دنیا و برابری فقیر و ثروتمند را به هنگام مرگ با ذکر ابیاتی از سعدی یادآور شده است (همو، ص ۴۳۵). شمس سراج عقیف در نقل مرگ وزیر محبوب سلطان دهلی (خان جهان) و شاگرد شیخ نظام‌الدین اولیاء، بار دیگر از بی‌وفایی دنیا حتی نسبت به خوبان سخن به میان آورده و در پایان، ابیاتی پیرامون خواهش‌های انسانی سروده است (همو، ص ۴۲۵).

سپهرندی نیز در تاریخ مبارک‌شاهی، کوشش کرده مانند دیگر تاریخ‌نگاران این دوره، با استفاده از اشعار فارسی در رواج اخلاق و حکمت میان سلاطین و امرای حکومتی مؤثر باشد (سپهرندی، ص ۱۵۱). پس از ماجرای قتل شاهزاده محمد فرزند سلطان محمد تغلق، سپهرندی مرثیه امیر خسرو سجستانی (سجزی) را نقل کرده که در آن سخن رسول الله (ص) درباره جهاد اصغر (جنگ با دشمن بیرونی) و جهاد اکبر (مبارزه با نفس) بیان شده، و اهمیت و جایگاه اخلاق با بیان این حدیث حضرت رسول (ص) مشخص شده است: «قد رجعنا من الجهاد الاصغر الی الجهاد الاکبر» (همو، ص ۴۷). پس از قتل غیاث‌الدین تغلق شاه و جانشینی ابوبکرشاه، گروهی از نیروهای حکومتی با سرکردگی رکن جند قصد داشتند علیه دولت شورش کنند؛ اما با آگاهی سلطان و غلامان فیروزشاهی از این ماجرا، رکن جند به دست غلامان فیروزشاهی کشته شد. امیر خسرو در بیان این حادثه از حدیث نبوی دیگری بهره می‌گیرد که در آن عاقبت بداندیشی برای دیگران را گوشزد می‌کند (همو، ص ۱۴۴). برنی مؤلف تاریخ فیروزشاهی نیز یکی از عوامل و شرایط ارزشمندی تاریخ را راست‌گویی و صداقت نویسنده دانسته است (برنی، ص ۱۷).

### ۳-۱-۴. مقابله با شرک و کفر

ضیاء‌الدین برنی، تاریخ فیروزشاهی را مبتنی بر اخبار سلاطین و ملوک، قواعد و اصول حکومت‌داری و نصایح و پندهای سلاطین به جانشینان خود دانسته است. از دیدگاه وی، تاریخ‌نگاری، امانت‌داری است و مورخ در پیشگاه خدا مسئول است (همو، ص ۲۷-۲۸). او کوشیده است تاریخ‌نگاری او، وقایع‌نویسی صرف نباشد و نصایح سلاطین و بزرگان دینی را در حکومت‌داری، راهگشای سلاطین دهلی می‌دانسته است. برنی در تاریخ خود، وظایف سلاطین اسلامی را از زبان سید نورالدین مبارک غزنوی، در تذکار به سلطان التتمش بیان داشته (همان، ص ۴۹) و در چند جای کتاب، از زبان سلطان بلبن، که وی را الگویی برای تمام سلاطین اسلامی دوره خود می‌دانسته، بر آن وظایف تأکید کرده است (همان، ص ۱۳۲). نخستین بار که برنی سخنی از نورالدین مبارک غزنوی، به میان می‌آورد، در صحبت بلبن از دربار التتمش است، که در نقل سخنان سید نورالدین مبارک غزنوی، فرزندان و خواص را به رعایت آنها فرامی‌خواند. سپس در قسمتی دیگر، این وظایف را

به‌طور مفصل، با ذکر عوامل صعود و سقوط دولت‌ها و حکومت‌ها، در وصایای بلبن به فرزندش سلطان محمد آورده است، که از او به‌عنوان ولیعهد خود نام می‌برد (همان، ص ۸۳-۹۳) و از وی می‌خواهد تا اصول دینی و اخلاقی را رعایت کند. در نهایت، سومین بار که به این وظایف به‌وضوح اشاره شده در وصیت به بغراخان فرزند کوچک خویش است (همان، ص ۹۲). برنی از زبان سلطان بلبن، به‌عنوان یکی از برترین سلاطین دهلی، آن‌گاه که با بغراخان هم‌سخن است، این‌چنین می‌نویسد: «فاما من تو را نصایح پادشاهان دین‌دار کنم و گویم که همه همت و نهمت خود را بر قلع و قمع کفر و شرک بگمار و مشرکان و بت‌پرستان را خوار و زار و بی‌مقدار دار تا تو را در میان انبیاء جایی دهند و برهمنان را از بیخ برانداز تا کفر برافتد و در اتباع سنت مصطفی علیه‌السلام و الصلوة با انگیزه باش و لوازم پادشاهی را خلاف و برعکس سنت دان و برای پادشاهی خود اجازه خلفای عباسی را بیاور» (همان، ص ۱۲۰-۱۲۱). شمس سراج عقیف نیز یکی از دو صفت لازم برای سیر و سلوک سلاطین را جهاد و مقاتله، و جهاد سلاطین و اهل حکومت را، گشودن شهرهای کفار و مشرکان و تسخیر قلمرو آنها و الحاق آن سرزمین‌ها به قلمرو اسلامی دانسته و آن را مصداق فتح و گشایش برای سلاطین مسلمان ذکر کرده است (شمس سراج عقیف، ص ۱۳؛ نظری، ص ۶۳).

## ۵. مؤلفه‌های سیاسی و اجتماعی

### ۱-۵. انبیاء و حکومت‌داری اسلامی

در دوره‌های مختلف تاریخ سلاطین دهلی، میان دربار و اهل تصوف رابطه‌ای دوسویه برقرار بوده است. افراد حکومتی از شاهزادگان و قضات به جماعت‌خانه مشایخ رفت و آمد داشته (Raziuddin, p. 199؛ عالمی و دیگران، ص ۱۵-۳۷) و شماری از مورخان و شاعران نیز از مریدان مشایخ بوده‌اند. بنابراین، یکی از وجوه کوشش نخبگان تاریخ‌نگار در حکومت سلاطین دهلی، جلب توجه اهل حکومت به تاریخ پیامبران و حکومت‌های اسلامی به‌عنوان الگوهای حکومتی بوده است. منهای سراج در کتاب خود ابتدا به زندگی پیامبران الهی از حضرت آدم تا خاتم‌رسل<sup>(ص)</sup> می‌پردازد و در ذکر دوران اسلامی از بعثت پیامبر آغاز و حوادث دوره رسالت ایشان را در مکه و مدینه بیان کرده است. وی در ادامه به خلافت خلفای نخستین و پس از آن به خلافت بنی‌امیه و بنی‌عباس پرداخته است (منهای سراج، ص ۱-۸).

شمس سراج عقیف، تاریخ اسلام و تاریخ انبیاء الهی را به تناسب مکان و زمان و ارتباط آن با رخدادهایی که مکتوب می‌کند، بیان داشته است. آن‌گاه چون از رفتار همراه با ملائمت سلطان با مردم سخن به میان می‌آورد، برای تأیید عمل سلطان دهلی، که گویا چندان در میان اهل سیاست آن دوره مورد تأیید نبوده است، به زندگی حضرت یوسف<sup>(ع)</sup> اشاره می‌کند. در واقع، بدین‌وسیله بر رفتار سلطان مهر تأیید نهاده است (شمس سراج عقیف، ص ۳۴۳).

از دیگر اقدامات سلطان دهلی (فیروزشاه تغلقی) در اواخر عمر، که گویا موجب اعتراضاتی نیز شد، آزاد کردن زندانیان و تعیین شغل برای آنها بود، که در آن دوره مرسوم نبوده است. سلطان دهلی سبب اقدام خود را سختی زندان دانست و نویسنده نیز در تأیید رفتار وی به زندانی بودن یوسف<sup>(ع)</sup> و این حدیث نبوی اشاره می‌کند، که برادر یوسف با آنکه در زندان بود، خواب فرعون را تعبیر کرد و اگر من بودم تا آزادی خود را به دست نمی‌آوردم، خواب را تعبیر نمی‌کردم. نویسنده با این حدیث، سختی دوران زندان را بیان و عمل سلطان را تأیید می‌کند (همو، ص ۵۱۰-۵۱۱). نمونه دیگر هنگامی است که سلطان دهلی در اواخر عمر به نشانه دل بریدن از دنیا و آمادگی برای مرگ، همچون صوفیان سر می‌تراشد و بسیاری از سرداران و امرای وی نیز به وی اقتدا می‌کنند. مؤلف در اینجا به حادثه سال ششم هجری و موضوع صلح خدیویه اشاره می‌کند که در آن مسلمانان بدون انجام فریضه حج و به تقلید از رسول الله<sup>(ص)</sup> سر خود را تراشیدند (همو، ص ۳۷۲). در جایی دیگر، وی در بیان حلم و تحمل سلطان دهلی (فیروزشاه)، حلم و صبر را از ویژگی‌های لازم حاکم اسلامی دانسته و مصداق را در ماجرای یوسف یافته، که به سبب مسئولیتی که از جانب خدا داشت، سختی‌ها را تحمل کرد (همو، ص ۲۳).

بنابراین، مورخان این دوره می‌کوشیدند تا سلاطین دهلی را چنان راهنمایی کنند که در رفتار خود، پیامبران و حکومت‌های الهی را الگو قرار دهند. از سوی دیگر، ضیاء‌الدین برنی، به‌عنوان یکی از نخبگان این دوره از اندیشه سیاسی ایران پیش از اسلام، به شکل غیرمستقیم از سنت سیاست‌نامه‌نویسی نیز متأثر است. شاه (و نه خلیفه یا امام) مهم‌ترین رکن نظام اندیشه سیاسی برنی است؛ شاهی که برگزیده خداوند است و جانشین او روی زمین. به‌علاوه، شاه براساس سنت سیاسی ایران، وظایف خطیری در برابر مذهب رسمی داشت.

برنی بهترین نمونه‌های فرمانروایی را «پادشاهان عجم» معرفی کرده است؛ اما نکات جدیدی نیز در اندیشه او وجود دارد. برنی از تکرار موعظه‌های اخلاقی برای شهریار فراتر رفته و از تفاوت اخلاق پادشاهی و اخلاق دینی سخن به میان می‌آورد. او معجزه پیامبر اسلام (ص) را دین‌داری و جهان‌داری توأمان می‌داند که این تجربه پس از او قابل تکرار نیست. او برپایه تفکیک حوزه‌های دین‌داری و جهان‌داری و برپایه استدلالی فقهی، که در شرایط عسر و حرج خوردن مردار مباح می‌شود، استفاده از رسم و روش‌های شاهان ایرانی باستان را، پس از دوران پیامبر روا دانسته است. بر همین اساس، او از پادشاه می‌خواهد برای جهان‌داری خود، که هدفش صلاح عامه است، اصولی وضع کند. برنی اصول وضع‌شده شاهان را که با مشورت داناان صورت گرفته، ضوابط نامیده است. وی در مواجهه شریعت با ضوابط، با توجه به اصل استحسان و لزوم توجه به خیر عمومی و جامعه، ضوابط را ارجح می‌شمارد (زرهانی، ص ۶۷-۹۰). فضای پس از سقوط بغداد و خلافت عباسی و لزوم بازاندیشی در نظام حکومتی مسلمانان، به‌ویژه در سرزمین‌های تازه فتح‌شده هند، از مهم‌ترین زمینه‌های اجتماعی سبب‌ساز در نگارش این کتاب بوده است. به‌علاوه، بی‌ثباتی سیاسی سلطنت دهلی را می‌توان یکی از مهم‌ترین علل نگارش آن تلقی کرد. ظهور و سقوط خاندان‌های ترک‌تبار، نشان از عدم ثبات سیاسی در دهلی بود و برنی می‌کوشید با ارائه روش‌های مناسب حکمرانی و مبانی مشروعیت پادشاه از زبان سلطان محمود غزنوی، پایه‌های سلطنت را استوار کند. در نهایت، روش‌ها و اقدامات مناقشه‌برانگیز محمد بن تغلق شاه از جمله عواملی است که برنی را به سمت نگارش کتابی درباره روش‌های مناسب جهان‌داری ترغیب کرد (همو، ص ۶۷-۹۰).

## ۲-۵. عدالت‌گرایی

سراج عقیف در بیان مقام عدل از زبان رسول‌الله (ص)، یک ساعت عدل را بهتر از ۶۰ سال عبادت دانسته است و رفتار توأم با عدل را مایه از بین رفتن گناهان معرفی کرده و بدین‌وسیله خواننده را به رفتار برخاسته از عدالت دعوت می‌کند (شمس سراج عقیف، ص ۹). عقیف، یکی از شروط شیخ نصیرالدین دهلوی برای موافقت با حکومت فیروزشاه تغلقی را رعایت عدالت آورده است. براساس منابع تاریخی، وقتی فیروزشاه تغلقی قصد داشت بر تخت سلطنت بنشیند، شیخ نصیرالدین محمود دهلوی وی را به عدالت و رفتار خوب با مردم دعوت کرد.

شمس سراج عقیف کوشیده است با بهره‌گیری از اشعار شاعران بزرگ ایرانی همچون نظامی و سعدی بر اهمیت عدالت تأکید کند (همو، ص ۲۴۴). سیهرندی نیز در مقدمه تاریخ مبارک‌شاهی، استحکام بنای اسلام را به عدل شاهان دین‌مدار مربوط دانسته است. دوام حکومت در جامعه اسلامی به برقراری عدل و دین‌مداری پادشاه وابسته است و دوام دین نیز به وجود سلطان عدالت‌گستر؛ بنابراین، اگر سلطان در پی دوام حکومت است، باید عدل و دین را سرلوحه عمل قرار دهد، وگرنه حکومت از وی ساقط خواهد شد (سیهرندی، ص ۱). به نظر عقیف، عدالت پیامدهایی دارد. نتیجه عدالت‌گرایی سلاطین، پیروی و متابعت مردم از حاکم و رفتار همراه با انصاف آنهاست؛ زیرا «الناس علی دین ملوکهم». «با رعیت صلح کن و ز جنگ خصم ایمن نشین / زانکه شاهنشاه عادل را رعیت لشکرست» (شمس سراج عقیف، ص ۴۷۱).

از دیگر شاخص‌های مورد توجه مورخان ایرانی در دربار سلاطین دهلی، عدل و عدالت بود. از نظر برنی، عدل لازمه دین است و دین هم لازمه عدل (برنی ۱، ص ۶۶). وی اجرای امر به معروف و نهی از منکر را از نتایج مهم عدل برشمرده (همان، ص ۱۶۹-۱۷۰) و به نمونه‌های بارزی از سلاطین و فرمانروایان مشهور به عدل و دادگری اشاره کرده است؛ نوشیروان از دوران ایران باستان و عمر بن خطاب از دوره اسلامی (همان، ص ۱۸۶-۱۸۷).

### ۳-۵. امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر، در نظر برخی اندیشمندان دارای چنان جایگاهی است که ضیاء‌الدین برنی از زبان فقیه غزنوی نوشته است: اگر حاکم، برای رواج امر به معروف و نهی از منکر در جامعه نکوشد، عبادت وی ارزشی نخواهد داشت (برنی ۱، ص ۵۲). امر به معروف و نهی از منکر، از جمله مواردی است که اهل دین از حاکم سلطنت اسلامی خواستارند، تا بدین وسیله فسق و فجور در جامعه اسلامی از میان برداشته شود. وی نه تنها نباید بدمذهب‌ها و بداعتقادها را در امور مملکتی به کار گیرد، بلکه باید نسبت به ایشان شدت عمل به خرج دهد (همان، ص ۴۹-۵۰). بنابراین، امر به معروف و نهی از منکر از سوی سلاطین با پیشنهاد اهل دین انجام می‌گرفت. مخدوم جهان از سلطان تغلق می‌خواهد از خوردن و آشامیدن در قبرستان و قرائت قرآن در قبرستان، که در فقه حنفی مکروه است، جلوگیری شود (حسینی، ص ۵۳۸-۵۴۰).



برنی، سلطان و حاکم را جانشین و سایه خدا و رکن مدینه فاضله دانسته و پیوسته در انتقال این اندیشه به سلاطین دهلی کوشیده است. به نظر برنی، اصلی‌ترین وظیفه پادشاه حفاظت و نگاهبانی از این ودیعه و وقوف نسبت به ماهیت آن است. برنی سلطان را فرمانروای مطلق می‌داند و در نظر او مردم در کمترین درجه مراتب‌اند و سلطان باید ایشان را مهار کند. برنی آن‌گاه پادشاهان را تشویق می‌کند که به مقام «اولوالامر» برسند. او حکومت را موهبت خداوند می‌داند که سلاطین از طرف خداوند به آن مأمور شده‌اند. به نظر برنی، پادشاه پس از کوشش در راه ایجاد حکومت، باید مواردی مانند دروغ و خیانت را ترک کند، و بزرگ‌منشی و گسترش عدل و انصاف را در پیش بگیرد و در مسیر حق‌شناسی گام بردارد، تا از این طریق به مقام «اولوالامری» دست یابد (برنی، ص ۱، ۱۹۵، ۲۰۰، ۲۲۴).

به نظر برنی، امر به معروف و نهی از منکر از جمله فرایض مهم حاکمان و سلاطین است و پس از انبیاء، این امر وظیفه سلطان است. امر به معروف و نهی از منکر سرمایه دین‌داری است و مایه سربلندی حکومت اسلامی و پادشاه اسلام (همان، ص ۱۲) و سلاطین برای اجرای امر به معروف و نهی از منکر، باید به علما رجوع کنند (همان، ص ۳۴، ۷۵-۷۶). بر سلاطین واجب است که مشاغل معصیت‌آمیز و گناه‌آلود مانند قمارخانه‌ها، مشروبخانه‌ها، طرب‌خانه‌ها را تخریب و تعطیل کنند و بساط فسق و فجور را برچینند (همان، ص ۱۶۸).

برنی در طراحی نظام فکری و سیاسی خویش در موضوع حکومت‌داری، از چند سرچشمه بهره برده است: حکمرانان مسلمان (به‌ویژه خلفای نخستین)، اندیشه سیاسی متفکران ایرانی مانند فارابی و غزالی، اقوال دانشمندان و حکمای یونانی مانند ارسطو و افلاطون و پادشاهان اساطیری ایران؛ و با توجه به مجموع این میراث است که شاخص‌ها و مؤلفه‌های اساسی مانند حاکمیت، عدل و مصادیق آن، ذات انسان و قانون را مطرح می‌کند (ابراهیمی، ص ۲۰-۳۷).

## ۶. کاربست شاخص‌های حکومت‌داری در دوره سلاطین دهلی

ضیاء‌الدین برنی مدتی دراز از زندگی را در ارتباط با دربار بوده و گاه طرف مشورت سلاطین قرار می‌گرفته است. خود او در تاریخ فیروزشاهی، که از ۶۶۲ق، اول حکومت غیاث‌الدین بلبن، آغاز می‌شود و تا سال ششم حکومت فیروزشاه تغلقی (۷۵۸ق) ادامه

می‌یابد، به مواردی از گفت‌وگوها میان خود و سلطان محمد بن تغلق اشاره کرده است. او در این گفت‌وگوها کوشیده است اندیشه‌های حکمرانی ایران باستان را بیان کند و آنها را با اندیشه‌های اسلامی تطبیق دهد (برنی ۲، ص ۵۰۹، ۵۲۲).

منه‌اج سراج نیز در طبقات ناصری به گوشه‌هایی از روابط خود با حکومت اشاره می‌کند؛ به طور مثال، در محاصره کالیور، یکی از شهرهای هندوستان، از مواعظ خود در مجلس سلطان در جلسات متعدد سخن به میان آورده است (منه‌اج سراج، ص ۴۴۸). علاوه بر این، وی در دوره اقامت در قلمرو سلطنت دهلی توانست مدیریت چندین مدرسه را در دوره‌های مختلف به دست گیرد (همو، ص ۴۶۰، ۴۷۰) و بدیهی است که او در مدیریت این مدارس دیدگاه‌های خود را پیگیری می‌کرد. از این گذشته، او در پایتخت و شهرهای مختلف (همو، ص ۶۴۴، ۴۷۰) منصب قضاء و گاه منصب قاضی القضاات (همو، ص ۴۸۵) و حتی صدرجهان (همو، ص ۴۸۸) داشت. بدین ترتیب و به طور قطع، منه‌اج سراج بهتر می‌توانست دیدگاه‌های خود را در باب حکومت به اجراء نزدیک گرداند. او در دوره همین سلطان بود که طبقات ناصری را به نام سلطان ناصرالدین نگاشت.

در میان آثار و نوشته‌های بزرگان تاریخ نگاری در دوره سلاطین دهلی می‌توان در مورد نحوه حکومت‌داری از دید نویسندگان آن مطالبی یافت. مؤلفه‌هایی که در حوزه‌های نظری و عملی همچون اخلاقیات، اعتقادات، رفتار اجتماعی و عملکرد سیاسی مورد توجه قرار گرفت. بر این اساس می‌توان آنها را به دو دسته کلی مؤلفه‌های اعتقادی و اخلاقی، اجتماعی و سیاسی تقسیم کرد.

اهمیت و تأثیر آموزه‌های حکومتی بر سلاطین دهلی چنان بود که سلطان بلبن، یکی از جانشینان التتمش، در وصیت به پسر خود سلطان محمد، آن موارد را به طور مبسوط‌تر بیان داشت (برنی ۲، ص ۸۲-۸۸): اگر سلطانی شبانه‌روز را در نماز و روزه بگذراند؛ ولی در جامعه برای دین خدا سپر و مدافع نباشد و عدالت را در جامعه رواج ندهد و امر به معروف و نهی از منکر را ترویج نکند، عبادت وی را ارزشی نخواهد بود (همان، ص ۵۲). سلطان بلبن قسم یاد کرده بود که اگر خبر ظلمی از طرف نزدیکانش بشنود، شخصاً وی را مجازات خواهد کرد. رفتار غیراسلامی حکام مسلمان و ظلم‌ستیزی اهل دین در برخی دوره‌ها گونه‌ای دیگر از ارتباط را رقم می‌زد. نامه‌نگاری بهاء‌الدین زکریا به ایل‌تتمش، که با موافقت

و همراهی قاضی ملتان و برای حمله التتمش به ملتان و تصرف این ایالت (شمیم محمود زیدی، ص ۳۸) صورت گرفت، شکلی از واکنش اهل دین نسبت به رفتار غیراسلامی سلاطین حکومت اسلامی بود (نظری، ص ۶۲).

وجه دیگر امر به معروف و نهی از منکر اصلاحات اقتصادی و جلوگیری از رشوه و رسم هدیه به حکام قابل ملاحظه بود. فیروزشاه، سلطان تغلقی در نتیجه همنشینی با علما و دانشمندان، بسیاری از مالیات‌های غیراسلامی را برانداخت و به مواردی مانند رشوه در نظام اداری رسیدگی کرد. فیروزشاه تحت تأثیر این روابط، اصلاحات مذهبی دیگری هم در باب رسوم و قوانینی که رنگ و بوی غیراسلامی داشت، در پیش گرفت؛ از آن جمله می‌توان به کنارگذاشتن جامه و ظروف طلایی در دربار، تنبیه معاندان و مدعیان دین و ترک شکنجه اشاره کرد (فیروزشاه، ص ۱۴). سلطان فیروزشاه نیز بسیاری از مالیات‌های غیراسلامی را برانداخت و به اصلاح مواردی مانند رشوه در نظام اداری پرداخت (همو، ص ۱۴؛ نظری، ص ۹۸).

وقتی محمد بن تغلق پایتخت را به دیوگیر، که دولت‌آباد نامیده شد، انتقال داد، امرای مناطق گوناگون را به پایتخت جدید فراخواند تا با ساختن خانه به توسعه پایتخت جدید یاری رسانند؛ اما بهرام اینه حاکم ملتان سر باز زد و سرانجام کار به لشکرکشی به ملتان کشید. با شکست بهرام اینه، سلطان محمد بن تغلق، به سبب مقاومت مردم ملتان در برابر سپاه او قصد کشتار داشت؛ اما با تأثیرپذیری از آموزه‌های اسلامی از تصمیم خود منصرف شد (سپهرندی، ص ۱۰۰؛ فرشته، ج ۱، ص ۴۵۷؛ بداونی، ج ۱، ص ۱۵۷). نمونه دیگر که در دوره سلاطین دهلی به حفظ جان مردم و حفظ اتحاد جامعه اسلامی انجامید، در دوره حکومت لودیه روی داد. در سال ۸۰۸ ق از جنگ میان اقبال خان و بهرام خان ترک از گروه‌های درگیر در حوادث دوره سلطان ابراهیم لودی جلوگیری شد (نظری، ص ۹۹-۱۰۰).

در باب عدالت‌گرایی نیز، نمونه‌هایی قابل توجه ذکر شده است، از آن جمله شمس سراج عقیف، در جریان تسلیم حاکم تهنه که سلطان وی را بخشید، شعری از نظامی می‌آورد و ظلم را برآزنده شاه عادل نمی‌داند (شمس سراج عقیف، ص ۲۴۴). در جایی دیگر، در جریان ورود سلطان فیروزشاه تغلقی به دهلی و بخشش مردم به سبب تصمیم به شورش علیه وی به رهبری خان جهان، شعری دیگر از نظامی در این زمینه آورده است

همو، ص ۹۱). سلطان دهلی، فیروزشاه تغلقی، در دوران حکومت خود، برخی از رسوم مالی ناعادلانه را برانداخت و عقیف در پایان ذکر این موارد، سلطان را با ذکر شعری از نظامی ستوده است (همو، ص ۳۷۹).

### نتیجه‌گیری

در دوره‌های مختلف تاریخ، حکام از نصایح نخبگان دوره خود تأثیر می‌پذیرفته‌اند. نخبگان علاوه بر ارتباط مستقیم با حکومت، با نگارش کتاب در زمینه‌های مختلف در تعیین و تغییر اهداف حکومت، حکام را یاری می‌دادند. حکومت سلاطین دهلی نیز از این امر مستثنی نبود. نخبگان عرصه تاریخ‌نگاری شبه‌قاره، با رفت و آمد نزد حکام و تألیف کتاب، می‌کوشیدند سلاطین و فرمانروایان را در مسیر معینی هدایت کنند. افکار و اندیشه‌های مورخان در باب روش حکومت‌داری اسلامی در تألیفات تاریخی آنها بازتاب یافته است. در این پژوهش به بررسی اصول حکومت‌داری از دیدگاه اندیشمندان مورخ پرداخته شد، که مؤلفه‌هایی مانند عدالت‌گرایی، تقابل با شرک و کفر، توجه به تاریخ انبیاء الهی و حکومت اسلامی، اخلاق‌گرایی و امر به معروف و نهی از منکر را در دوره سلاطین دهلی در بر می‌گرفت. به استناد این آثار، می‌توان نتیجه گرفت اصول حکومت‌داری در اندیشه مورخان، منطبق بر آموزه‌های رایج در دوره اسلامی بوده است. همچنین، تمایل سلاطین، درباریان و امرا به شیوخ، خودبه‌خود بر نفوذ و تأثیر ایشان در دربار و حکومت می‌افزود. این ارتباط مستقیم، چه در رفتار فردی سلاطین و چه در نحوه مدیریت حکومت مؤثر بود. وضعیت و جایگاه شیوخ را در نزد سلاطین و جامعه، می‌توان در چندین نمونه ملاحظه کرد که برای پایان دادن به اختلافات حکومت مرکزی با مخالفان وساطت می‌کردند. بنابراین، روابط دربار با ادبا و شعرا، مستقیم و غیرمستقیم در رواج و رسوخ آن آموزه‌ها تأثیر تمام داشت. و سلطان و امرا رفتار خود را براساس توصیه آنان در حادثه‌ای خاص اصلاح می‌کردند، یا در مجالس سلطان، می‌کوشیدند با یادآوری سیره پیامبر اسلام و صحابه و بزرگان دین یا روش پادشاهان و فرمانروایان پیشین، به مرور زمان بر رفتار سلاطین تأثیر نهند. از این‌رو، مورخان با ترویج آموزه‌های حکومت‌داری، در رویکرد سلاطین دهلی به آموزه‌های اخلاقی و اسلامی مؤثر بودند.

## منابع

- ابراهیمی، رقیه، «اساسی‌ترین مؤلفه‌های اندیشه سیاسی ضیاءالدین برنی»، مطالعات تاریخ اسلام، س اول، ش ۲، ۱۳۸۸.
- باسورث، کلیفورد ادموند، سلسله‌های اسلامی جدید: راهنمای گاهشماری و تبارشناسی، ترجمه فریدون بدره‌ای، مرکز باستان شناسی اسلام و ایران، تهران، ۱۳۸۱.
- بداؤنی، عبدالقادر بن ملک‌شاه، منتخب التواریخ، به کوشش احمدعلی و توفیق سبحانی، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران، ۱۳۷۹.
- برنی (۱)، ضیاءالدین، فتاوی جهان داری، تصحیح ای. سایم خان، نشر اداره تحقیقات پنجاب، لاهور، ۱۹۷۲ م.
- \_\_\_\_\_ (۲)، تاریخ فیروزشاهی، تصحیح مولوی سید احمدخان، اسپاتک سوسئیتی بنگاله، کلکته، ۱۸۶۲.
- بیهقی، ابوالفضل محمد بن حسین، تاریخ بیهقی، به کوشش خلیل خطیبرهبر، مهتاب، تهران، ۱۳۷۴.
- حسینی قریشی، علی بن سعد، خلاصة الالفاظ جامع العلوم، تصحیح غلام سرور، مرکز تحقیقات ایران و پاکستان، اسلام‌آباد، ۱۹۹۲ م.
- خسرویگی، هوشنگ، سازمان اداری خوارزمشاهیان، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران، ۱۳۸۸.
- زرهانی، سید حسین، «تداوم و نوآوری در اندیشه سیاسی ضیاءالدین برنی و کتاب فتاوی جهان‌داری»، فصلنامه مطالعات شبه‌قاره دانشگاه سیستان و بلوچستان، س ۷، ش ۲۴، ۱۳۹۴.
- سیهرندی، یحیی بن احمد، تاریخ مبارکشاهی، اساطیر، تهران، ۱۳۸۲.
- شمس سراج عقیف، تاریخ فیروزشاهی، مصحح ولایت حسین، اساطیر، تهران، ۱۳۸۵.
- شمیم محمود زیدی، احوال و آثار شیخ بهاء‌الدین زکریا ملتانی و خلاصة العارفین، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، راولپندی، ۱۹۷۴ م.
- عالمی، خدیجه، مظهر ادوای و حسین نظری، «نقش تصوف در ترویج رویکردهای سلاطین دهلی به فرهنگ اسلامی»، مجله شبه‌قاره (ویژه‌نامه نامه فرهنگستان)، ش ۵، ۱۳۹۴.
- فرشته، محمدقاسم استرآبادی، تاریخ فرشته، به کوشش محمدرضا نصیری، اساطیر، تهران، ۱۳۸۸.
- فیروزشاه، فتوحات فیروزشاهی، مصحح عبدالرشید، مسلم یونیورسیتی، دانشگاه علیگره، ۱۹۵۴.
- محدث دهلوی، عبدالحق، أخبار‌الاکخیار، مصحح اشرف خان علیم، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران، ۱۳۸۳.
- محرابی کالی، فردین و محسن معصومی، «بررسی تأثیر سنت‌های ایرانی در تشکیلات اداری سلاطین دهلی»، تاریخ تمدن اسلامی، س ۱۱، ش ۲۲، ۱۳۹۴.
- منزوی، «برنی، ضیاءالدین» دایرة‌المعارف الاسلامیه، ج ۱، ۱۳۴۸.

منهاج سراج، طبقات ناصری، تصحیح عبدالحی حبیبی، اساطیر، تهران، ۱۳۸۹.  
میرخورد، محمد بن مبارک، سیرالاولیاء، لاهور، ۱۹۷۸ م.  
نظری، حسین، «تأثیر ایرانیان مهاجر در تکوین رویکردهای سلاطین دهلی به فرهنگ اسلامی»،  
پایان‌نامه کارشناسی ارشد تاریخ اسلام، استاد راهنما: خدیجه عالمی، کتابخانه مرکزی دانشگاه  
تهران، ش ۶۷۱۱۱، تهران، ۱۳۹۳.

Ali khan, Masood, *Sufism in India*, s. ram anmol publication pvt. ltd, new Delhi, 2003.

Bazmee Ansari A. S. , “Al-djuzdjani” , in *Encyclopedia of Islam* (2), vol. 2, 1991.

Raziuddinagui, *Sufism culture and politics afghan and Islam in medieval north india*,  
Oxford, 2007.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی